



جزئی از راه حل مشکلات جامعه‌ی خود باشیم

علی معنوی

یک

امروز، علل و عوامل بسیاری درصددند بر چهره‌ی لطیف افکار عمومی جامعه‌ی ما، گردی به رنگ «تردید» بنشانند و بر بستارهای اعتقادی مردم ترک بیندازند، تا از رهگذر این «ترک» مردم را دعوت به شستن چشم‌های خود و جور دیگر دیدن بکنند، رشته‌ها و پیوندهای اعتقادی - اعتمادی آنان را دچار ساییدگی و فرسودگی نمایند، چشم زیبایین و روشن‌بین آنان را به شیشه‌ای کبود بیارایند، و تصویری زمخت، مات، مغشوش و ناامیدکننده از «آینده» در مقابل چشمان آنان قرار دهند.

دو

بی‌تردید، سنگی از «درون» و سنگی از «برون» در ایجاد این «تردید» و تصویر این «ترک» نقش ایفا می‌کنند. آن سنگ درون، از جنس «ضعف» است: ضعف شناخت از «خود» و «دیگری»، ضعف شناخت از «حال» و «آینده»، ضعف شناخت از «درون» و «برون»، ضعف «تصمیم» و «تدبیر» کارآمد و بهنگام، ضعف بازتولید «سرمایه‌ی اجتماعی و انسانی»، ضعف مواجهه‌ی اصولی با «واقعیت‌ها» و «حقیقت‌ها»، ضعف مواجهه‌ی منطقی با «وظایف» و «نتایج»، ضعف مواجهه‌ی اصولی با مشکل مشخص در زمان مشخص، و... و آن سنگ برون، از جنس «توانایی» است: توانایی تولید «قدرت» و «انقیاد»، توانایی تولید گفتمان مسلط جهانی، توانایی تولید واقعیت‌ها و حقیقت‌های مجازی و صدور آن به سایر جوامع، توانایی تعریف و تثبیت نظم جهانی مطلوب خود، توانایی تولید سبک‌ها و اسطوره‌های فرهنگی و هویتی، توانایی تولید زبان مسلط جهانی، توانایی درانداختن طرحی نو برای روزگاری نو، توانایی سمت‌دهی افکار عمومی جوامع مختلف، توانایی تاثیر بر تصمیم‌های شورای امنیت و سازمان ملل، توانایی تصویب و اجرای تحریم‌های بین‌المللی، توانایی تهدید به جنگ و براندازی، توانایی

سه

با این حال، همه می‌دانیم که این «توانایی»، در واقع، همان چهره‌ی دوم «ضعف» ماست. می‌دانیم که از ماست که بر ماست. هم‌چنین می‌دانیم که نه این «توانایی» مطلق و ابدی است و نه آن «ضعف»، و می‌توان در برابر

هر دو مقاومت کرد. بی‌تردید، این «مقاومت» در سطح و گام نخست، در گرو تلاش نخبگان تصمیم‌ساز و تدبیرپرداز جامعه برای تعریف خود به‌مثابه‌ی «جزئی از راه‌حل مشکلات جامعه» است.

چهار

با این تمهید کوتاه، می‌خواهم انتظار بسیاری از آحاد جامعه از آنانی که وظیفه‌ی تدبیر منزل را پذیرفته‌اند مورد تأکید قرار دهم. بزرگان، امروز روح و روان جامعه‌ی ما از مشکلات فراوان داخلی و خارجی آزرده و ملول است. هر روز نیز به گونه‌ای بر دامنه و گستره و عمق این مشکلات افزوده می‌شود. در افق هم‌وضعیتی مطلوب‌تر هویدا نیست. در این شرایط از همه‌ی شما اصحاب تصمیم و تدبیر انتظار می‌رود تا تلاش نمائید جزئی از راه‌حل مشکلات (نه جزئی از مشکلات) مردم باشید و با تصمیم و تدبیر بهینه و به‌هنگام خویش مرهمی بر روی زخم‌هایی که از رهگذر این مشکلات بر تن و روان آنان وارد شده، بگذارید، نه آن‌که برخی از شمایان با هر دم و بازدم خود و با هر قول و فعل خود مشکلی بر مشکلات آنان بیفزایید و یا در متراکم و متقاطع کردن مشکلات گوناگون موجود بکوشید. اکنون، جامعه‌ی ما بیش و پیش از هر زمان دیگر نیازمند هم‌نوایی و هم‌صدایی و هم‌آهنگی و هم‌کاری شماست. اکنون شما نه تنها در محضر خدا که در محضر و منظر مردمید. همگان در انتظار دم مسیحایی شمایند تا گره‌ای گشوده شود و گل‌امیدی بشکفتد. همگان در انتظار عامل دیدن شما به آن‌چه دیگران را بدان دعوت و توصیه می‌کنید هستند. اندکی از «خود» و «خودی» هاتان فاصله بگیرید و ببیند که از آن‌چه امروز کشت می‌کنید فردا جز خرمن ناامیدی و یاس و اعتراض برداشت نخواهید کرد. نگذارید در ذاکره تاریخ حال و آینده تصویر سیاه از شما نقش ببندد. پیاده شوید، تاملی کنید تا با هم و با مردم راه روید.